



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
 تاریخ: ۱۷ فروردین ۱۴۰۰
 موضوع جزئی: آیه ۳۸ _ مطلب اول: وجه امر مجدد به هبوط
 مصادف با: ۲۳ شعبان ۱۴۴۲
 جلسه: ۴۹

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

مطلب اول: وجه امر مجدد به هبوط

در آیه ۳۸ نکات و مطالبی باید مورد رسیدگی قرار بگیرد. ما در مورد تناسب و ارتباط این آیه با قبل و بعد و نیز مفردات آیه مطالب و نکاتی را ذکر کردیم. لکن درباره تفسیر آیه و مطالبی که در مقام تفسیر آیه باید ذکر شود، نکات و مطالبی باید مطرح کنیم. مطلب اول درباره امر به هبوط است که در صدر این آیه ذکر شده و قبلاً در آیه ۳۶ هم بیان شده بود. اینجا میفرماید: «قلنا اهبطوا منها جميعا». در آیه ۳۶ هم امر به هبوط شده بود. آنگاه بحث در این است که این هبوط آیا غیر از آن هبوطی است که در آیه ۳۶ مورد اشاره قرار گرفته؟ یا یکی است و صرفاً تکرار شده است؟ برخی قائل اند به اینکه این صرفاً تکرار امر به هبوط در آیه ۳۶ است. اما جماعتی قائل اند که این هبوط غیر از آن هبوط است. اینها دو هبوط اند و اصلاً تکرار در اینجا معنا ندارد. آنهایی که میگویند تکراری در کار نیست، بین خودشان اختلاف واقع شده که اگر تکرار نیست، پس چه تفاوتی است بین این دو هبوط؟ شاید بیش از شش وجه در این باره بتوان ذکر کرد. مفسرین هر یک وجوه و احتمالاتی را بیان کرده اند.

وجه اول

یک عده بر این عقیده اند که هبوط اول اشاره به هبوط از بهشت به آسمان دنیا دارد و هبوط دوم اشاره به هبوط از آسمان دنیا به سوی زمین دارد. لذا مبدأ و منتهای هبوط اول، با مبدأ و منتهای هبوط دوم فرق می‌کند. پس تفاوت بین دو هبوط در این وجه از حیث مبدأ و منتهی است. این وجهی است که فخر رازی از قول جبائی نقل می‌کند.

بررسی

سپس خود ایشان نسبت به این وجه اشکال می‌کند و این اشکال هم وارد است که ما نمی‌توانیم اینچنین بین این دو هبوط تفاوت قائل شویم، برای اینکه در آیه ۳۶ میفرماید: «اهبطوا بعضكم لبعض عدو و لكم في الارض مستقر و متاع إلى حين». اگر استقرار در زمین با هبوط دومی حاصل شده و زمین منتهای هبوط دوم بود. اولی این بود که «و لكم في الارض مستقر و متاع» را به دنبال هبوط دوم ذکر می‌کرد نه در آیه ۳۶ که هبوط اول مطرح است. لذا این نمی‌تواند موجب تفاوت اینها باشد.

بعلاوه نکته دیگر این است که اساساً در این آیه مسئله هدایت و شریعت مطرح شده و هدایت و شریعت مربوط به ارض و زمین است. این آیه دوم خیلی روشن این مسئله را مطرح کرده، در حالی که در ذیل آیه اول هم آن را مطرح کرده است. لذا این تفاوت به نظر می‌رسد که تمام نیست.

وجه دوم

وجه دوم که خود فخر رازی از آن به عنوان اقوی نام برده (ایشان دو وجه ذکر کرده ولی می‌گوید اینجا وجه سوم هم وجود دارد ولی چون یکی از آن دو وجه لاجل التأكيد است که آن را بعداً می‌گوییم وجه سوم می‌شود) این است که وقتی آدم و حوا گرفتار لغزش شدند، آنجا خداوند فرمود: «**اهبطوا بعضکم لبعض عدو**». آنگاه آدم و حوا بعد از امر به هبوط توبه کردند لکن در قلبشان گذشت که این امر به هبوط به سبب لغزششان بود. چون گرفتار لغزش شدند خداوند امر به هبوط کرد، حال که توبه کردند، کأن دیگر امری نسبت به هبوط نباید باقی بماند. یعنی کأن به ذهنشان آمد حال که توبه کردند آن امر دیگر منتفی شده است. برای اینکه خداوند به این‌ها بفهماند که هبوط به عنوان مجازات آن لغزش شما نبوده و به طور کلی این چیزی است که باید اتفاق بیافتد چون اساساً خداوند انسان را به عنوان خلیفه در روی زمین خلق کرده. لذا امر به هبوط کرده، یعنی کأن خداوند با این امر به هبوط برای بار دوم، می‌خواهد به آن‌ها این را بفهماند و یاد آور شود که آن وعده‌ای که قبلاً دادم که «**إني جاعل في الارض خليفة**» باید محقق شود و شما باید هبوط کنید و ارتباطی با لغزش شما ندارد.^۱

پس تفاوت بین این دو امر طبق این وجه دیگر از حیث مبدأ و منتهی نیست. همان که در امر اول مبدأ بوده، اینجا هم مبدأ است. همان که در آنجا منتهی بوده، اینجا هم منتهی است لکن تفاوت از حیث این است که در امر اول اصل این خواست و قصد و غرض را بیان کرده. ولی در امر دوم چون احتمال می‌دادند آن امر مرتفع شده، خداوند برای اینکه بگوید این امر به قوت خودش باقی است، این امر را کرده است. پس باز هم کأن یک تفاوتی اینجا وجود دارد بین امر اول به هبوط و امر دوم به هبوط. این غیر از تأکید است. تأکید یعنی همان که بوده، مشدد شود. اینجا اصلاً مسئله تأکید مطرح نیست.

بررسی

این بحث را ما قبلاً کردیم که آیا توبه بعد از امر به هبوط بود یا قبل از امر به هبوط. اگر گفتیم توبه قبل از امر به هبوط است، این وجه دیگر قابل قبول نیست. اگر هم گفتیم توبه بعد از امر به هبوط است، آنوقت له وجه. چون اساساً این وجه بر این استوار است که اول امر به هبوط شده و بعد این‌ها توبه کردند. ولی این احتمال هم هست که اساساً توبه قبل از آن امر به هبوط واقع شده. چون در بهشت قبل از آنکه این‌ها خارج شوند آن ندامت و پشیمانی محقق شد.

۱. تفسیر کبیر، ج ۳، ص ۲۶.

ما یک امر به هبوط داریم، یک هبوط و یک توبه. بعضی می‌گویند توبه روی زمین اتفاق افتاده یعنی بعد الامر به هبوط و بعد از هبوط. یک احتمال این است که بعد الامر به هبوط و قبل الهبوط تحقق پیدا کرده باشد. یک احتمال هم این است که اساساً توبه قبل الامر به هبوط محقق شده باشد. این سه احتمالی است که اینجا وجود دارد. این وجهی که فخر رازی گفته مبتنی بر این است که توبه بعد از امر به هبوط و قبل از هبوط محقق شده باشد. یعنی در این بین توبه صورت گرفته باشد.

وجه سوم

وجه سوم این است که ما تفاوت بین این دو هبوط را به حسب مخاطبان نشان بدانیم، یعنی بگوییم مخاطب امر به هبوط در آیه ۳۶ آدم، حوا و ابلیس است. چون می‌گوید: «اهبطوا بعضکم لبعض عدو». یعنی به همه امر می‌کند و می‌گوید بعضی با بعضی دیگر دشمن هستید. اما مخاطب امر به هبوط در این آیه خصوص آدم و حوا و ذریه آنها هستند؛ برای اینکه آنچه در ادامه امر به هبوط در این آیه ذکر شده، مسئله هدایت و شریعت است و کأن این امر به این گروه تعلق گرفته. یعنی آن کسانی که شریعت برای آنها وارد شده. لذا مخاطبها متفاوت اند. پس اینجا تفاوت بین این دو امر در آیه ۳۶ و ۳۷ به اعتبار تفاوت مخاطب است.

بررسی

این احتمال هم چه بسا مقبول نیست. اولاً ما گفتیم در همین آیه «جمیعاً» اشاره به آدم و حوا و ابلیس دارد نه خصوص آدم و حوا و ذریه آنها. بعلاوه اینکه مسئله شریعت اختصاص به انسان ندارد و بلکه شامل جنیان هم هست و ابلیس هم از جنیان است و از ملائکه نیست. لذا شمول شریعت نسبت به ابلیس هم منتفی نیست. پس این احتمال هم مردود است.

وجه چهارم

وجه چهارم که البته صدر المتألهین ذکر کرده، این است که در امر اول هبوط به بدن است و در دومی هبوط به دنیا. یعنی کأن آدم از آن جایگاه و موقعیت معنوی و روحانی هبوط کرد به بدن و آنوقت در دومی هبوط به دنیا کرد.^۱

بررسی

اینکه ما بگوییم وقتی نفس و روح انسانی تعلق به بدن پیدا کند، این هبوط است. اینکه نفس بیاید در قالب بدن قرار بگیرد، اطلاق هبوط برایش مشکل و محذوری ندارد، ولی اینکه بگوییم این آیه دارد اشاره به این امر می‌کند، خیلی روشن نیست و اثباتش مشکل است.

۱. تفسیر صدر المتألهین، ج ۳، ص ۱۵۸ و ۱۵۹.

وجه پنجم

احتمال پنجم این است که خداوند تبارک و تعالی دو مرتبه سخن از هبوط به میان آورد چون در مرتبه اول بیان اصل هبوط را کرد. یعنی هبوط از جنت به زمین که دار عداوت و شقاوت است. اما در دومی امر به هبوط برای بیان غایت این هبوط است؛ چون سخن از شریعت است. اینکه میفرماید: «فإِذَا مَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنْهُ هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، در واقع غرض و غایت از هبوط را دارد می‌گوید. پس در امر اول اصل هبوط مورد نظر است و در امر دوم در واقع دارد هدف را بیان می‌کند.

وجه ششم

وجه ششم این است که هبوط اول از حیث جهات مادی و جسمانی و هبوط دوم از حیث استکمالات معنوی در سلسه صعود به مقامات عالی انسانی است. هبوط از حیث مادی، یعنی از حیث دنیوی. کأن خداوند تبارک و تعالی امر کرده به هبوط «اهبطوا بعضكم لبعض عدو» یعنی در واقع دارد می‌گوید از اینجا هبوط کنید به سوی زمین و از نظر مادی و جسمانی بروید در زمین قرار بگیرید. اما اینجا که می‌گوید: «قلنا اهبطوا جميعا»، در واقع می‌خواهد بگوید که بروید در آن مرتبه قرار بگیرید تا دوباره صعود کنید. یعنی به مراتب و مراحل صعود اشاره می‌کند.

بررسی

یک تفاوتی بین این وجه و وجه قبلی می‌توانیم ذکر کنیم که در وجه پنجم در واقع وقتی در آیه ۳۸ امر به هبوط می‌شود، دارد غایت را بیان می‌کند که غایت این هبوط چیست؟ برای چه هبوط کنید. برای اینکه طوری شود که سعادت‌مندان و شقاوت‌مندان از یکدیگر تمییز داده شوند. برای اینکه معلوم شود چه کسی سعید است و چه کسی شقی. اما در این وجه کأن می‌خواهد بگوید این هبوط برای این است که شما استکمال پیدا کنید؛ بروید پایین تا بعد خودتان بیایید بالا. البته شاید واقعا نتوانیم با دقت و تأمل بین وجه پنجم و ششم فرق بگذاریم. در واقع وجه پنجم و ششم یک حقیقت را دارند بیان می‌کنند. می‌خواهد بگوید که بالاخره اگر کسی روی زمین برود، بعد از توبه رجوع به خداوند پیدا کند، این مطلوب و غرض اصلی از خلقت را فراهم کرده. به هر حال شاید بین وجه پنجم و ششم فرقی نباشد و این‌ها تعبیرات مختلف از یک واقعیت باشد.

به هر حال این پنج یا شش وجه برای اینکه دوباره در آیه ۳۸ امر به هبوط ذکر شده بیان کرده اند. این‌ها هر کدام فرقی برای این دو امر به هبوط ذکر کرده اند. اما اینجا برخی معتقدند که این امر تکرار همان امر اول است. اینکه چطور تکرار امر اول است و این دو هبوط با هم تفاوت ندارند را باید ذکر کنیم و بعد انشاءالله مقتضای تحقیق در مسئله را باید بیان کنیم.

«والحمد لله رب العالمين»